

Community service, a solution to the resocialization of criminals

* Eid Mohammad Ahmadi

Faculty Member, Faculty of Law, Avicenna University, Kabul, Afghanistan *
aem.ahmadi20@yahoo.com

Abstract

Criminal studies show that despite all the reforms made in the prison systems of countries in recent years, which have improved the physical and repair conditions of prisons, they have not resulted in significant or noteworthy outcomes for the rehabilitation of offenders or the prevention of crime, and crime rates are on the rise. As a result, in recent years, criminologists have been prompted to reconsider the punishment system, leading to the development and implementation of alternatives to incarceration, primarily legislated and applied in developed countries. In the recent decade, the country's criminal policy has adopted this idea and experience, addressing it through legislation. Part of the Penal Code has been dedicated to defining and forecasting alternatives to imprisonment, with Article 150 addressing various alternatives to imprisonment and Article 162 focusing on community service and its conditions. Community service is a form of social reaction in which a person is engaged in voluntary or semi-voluntary work in a public institution by court order. This type of judicial response aims at the rehabilitation and reform of the convicted individual through preventing the negative consequences of imprisonment. One of the most important foundations of community-based punishment is the social rehabilitation and reintegration of the offender, as well as reducing the economic, social, and family costs that imprisonment imposes on society. Data and findings from countries that have employed this approach show positive and acceptable results. The country's criminal policy, aware of this effective and beneficial approach, has legislated the use of community and social services as alternatives to imprisonment, and this research aims to raise awareness and support this new approach by discussing the conditions, governing principles, and mechanisms for its implementation.

Keywords: Crime, Imprisonment, Alternatives to Imprisonment, Community Service, and Rehabilitation

خدمات عام‌المنفعه، راهکار باز اجتماعی شدن مجرم

عیدمحمد احمدی*

* کادر علمی دانشکده حقوق، دانشگاه ابن سینا، کابل، افغانستان

aem.ahmadi20@yahoo.com

چکیده

مطالعات جرم شناسانه نشان می دهد با تمام اصلاحاتی که در نظام محابس کشورها، در سال‌های اخیر انجام گرفته است و این اصلاحات هرچند به بهتر شدن شرایط ظاهری و تعمیراتی محابس انجامیده، لکن چندان نتایج مفید و در خور توجه را برای باز پذیری مرتکبین و پیشگیری از ارتکاب جرم نداشته و آمار ارتکاب جرم رو به افزایش است. بدین جهت در سال‌های پسین اندیشمندان علوم جنایی را به تامل و بازبینی سیستم مجازات واداشته که برآیند آن، ایده و طرح بدیل‌های زندان است که عمدتاً در کشورهای توسعه یافته قانون گذاری شده و تطبیق می‌شود. در دهه پسین سیاست‌جزایی کشور از این ایده و تجربه، استفاده کرده و به این مهم پرداخته و قانون‌گذار قسمتی از مواد کدجزا را به تبیین و پیش‌بینی بدیل‌های حبس اختصاص داده است. از ماده ۱۵۰ به انواع بدیل‌های حبس و از ماده ۱۶۲ در خصوص خدمات عامه‌المنفعت و شرایط آن قانون گذاری انجام شده است. انجام خدمات عامه نوعی واکنش اجتماعی است که شخص در یک موسسه عمومی به انجام کار رایگان یا نیمه رایگان با حکم محکمه مصروف می‌شود. این نوع واکنش قضایی در راستایی بازپروری و اصلاح محکوم‌علیه از رهگذر پیشگیری از پیامدهای منفی محکومیت به حبس است. از مهمترین مبانی مجازات جامعه‌محور، اصلاح و بازپذیری اجتماعی مرتکب است و همچنین از هزینه‌های اقتصادی، اجتماعی و خانوادگی که حبس بر جامعه تحمیل می‌کند، می‌کاهد. داده‌ها و یافته‌های کشورهای کشورها که از این تدبیر در برابر مجرمین استفاده کرده‌اند، نشان دهنده نتایج مثبت و قابل قبولی است. سیاست‌جزایی کشور با آگاهی از این تدبیر مفید و کارآمد با تفصیل بیشتر استفاده از خدمات عامه و اجتماعی را به جای حبس قانون گذاری کرده است که این تحقیق با هدف آگاهی و بر پا نگاهداشتن این تدبیر جدید، شرایط، اصول حاکم و سازوکار ضمانت اجرای آن را به بحث و کاوش گرفته است.

واژگان کلیدی: جرم، حبس، بدیل‌های حبس، خدمات عامه‌المنفعه و اصلاح‌پذیری.

مقدمه

مجازات زندان در گذشته، به عنوان یک ضمانت اجرای انسانی در برابر جزایهای بدنی مطرح شد، ولی مطالعات و پژوهش‌های علمی دوران معاصر، کاستی‌ها و خطرهای مجازات سالب آزادی را نمایان ساخت و به تدریج، پیدایش یک جنبش فکری میانه رو را رقم زد که ابتدا در قالب بدبینی زیاد نسبت به مجازات زندان بروز و ظهور پیدا کرد. جنبش فکری محدود کردن قلمرو جزای سالب آزادی، تفکرات را به سوی پیشنهاد راه حل‌های بدیل و جایگزین زندان رهنمود گردید تا جایی که با گذر زمان اندک، این اندیشه مورد استقبال مراجع و نهادهای بین‌المللی جزایی قرار گرفت، از جمله: جامعه بین‌المللی جرم‌شناسی، بنیاد بین‌المللی جزایی و زندان‌ها و سازمان ملل متحد. امروزه، تدابیر جایگزین زندان، شامل تنوعی از ضمانت اجراها است و بسیاری از پژوهش‌های که در برخی از کشورها انجام شده، بر مفید و مؤثر بودن آن‌ها در کاهش تکرار جرم و اصلاح و بازسازی مرتکبین صحنه گذارده‌اند. در اجرای این نوع مجازات تلاش بر جبران آسیب اجتماعی است با این شیوه که محکوم علیه هیچ تماسی با حبس نداشته باشد و فعالیت‌های روزانه خود را انجام دهد. منتهی در این برهه زمانی ناگزیر است در بیرون از محبس محدودیت‌هایی را با نظارت قاضی اجرای احکام بپذیرد و این محدودیت می‌تواند خدمات عام‌المنفعت برای جامعه باشد. اشتغال به کار عام‌المنفعه یک نوع محکومیت جزایی و بدون پرداخت مزد یا با پرداخت مزد اندک است تا مجرم به صورت فردی نتایج جرم خود را درک نموده و از تکرار نقض قانون اجتناب نماید. فایده دیگر این تدبیر آن است که زمینه استفاده از تخصص مرتکب در جامعه فراهم می‌شود و از تبدیل شدن یک خلاف‌کار به مجرمی حرفه‌ای پیشگیری می‌گردد. به بیان دیگر، کار عام‌المنفعه، یکی از گزینه‌های محکومیت است که با تشخیص حالت خطرناک بزه‌کار و در قالب جبران خسارت و ترمیم نظم مختل شده جامعه توسط او - از طریق انجام یک کار رایگان یا نیمه رایگان برای جامعه - مورد حکم قرار می‌گیرد. کشورهای مختلف در سیاست جزایی خویش توجه چشم‌گیر در مورد تدابیر کار عام‌المنفعه به عنوان جایگزین زندان دارند. این خدمات عام‌المنفعه به جای زندان، تا کنون در کشور افغانستان ناشناخته بوده و بازتاب آن در سیاست جنایی امروزی، تنوع و نوآوری در واکنش اجتماعی به حساب می‌آید، گام اول که قانون‌گذاری است به خوبی انجام شده و در گام دوم برای نهادینه کردن و تطبیق آن، نیازمند تلاش‌های تحقیقی و قضایی است.

آثار و فواید کارهای عام‌المنفعه نه تنها از هزینه‌های سرسام‌آور زندان می‌کاهد، بلکه به عنوان یک اهرم و نیروی کمکی برای پیشرفت جامعه نیز محسوب می‌گردد. به طور مثال هزینه‌ی سالانه‌ی زندان در انگلستان و ولز بیش از دو میلیارد پوند است. هزینه‌ی هر زندانی در سال در انگلستان و ولز سی و هفت هزار و پانصد پوند است. همچنین هزینه‌ی هر حکم آزادی مشروط دو هزار و پانصد و بیست و هفت پوند و هر حکم کار عام‌المنفعه هزار و شصت و بیست و هشت پوند برآورد شده است. Sin, 1998, P288. با توجه به هزینه‌ای سرسام‌آور زندان پیش‌بینی سیاست خدمات عمومی در هر کشوری، هم مقرون به صرفه بوده و هم در راستای منافع اجتماع و همچنین منافع مرتکبین می‌باشد.

به این ترتیب این نوشتار در پی یافتن پاسخ به این سوال‌های اساسی است خدمات عمومی در مقایسه با کیفر حبس از چه امتیازها و محاسنی برخوردار است؟ ایرادها و عیب‌های وارده بر خدمات عمومی کدامند؟ کیفر خدمات عمومی برای کدام یک از جرایم به صورت حتمی و برای کدام یک اختیاری است؟ نسبت به کدام یک از جرایم و محکومان استفاده این تدبیر به صلاح نیست؟

این نوشتار به دنبال اثبات این فرضیه‌های مهم و اساسی است که چون در اسلام زندان نقشی فرعی در مجازات مجرمان داشته؛ پیش‌بینی خدمات عمومی بدیل حبس به معنای تخفیف مجازات نیست؛ بلکه نوآوری و تنوع در واکنش اجتماعی است که پاسخ‌های کیفری را متنوع، کارآمدتر، عادلانه‌تر و متناسب‌تر نموده و بار مالی جدیدی هم برای کشور و قوه قضائیه ندارد. از این رو در جهت بازتاب این تازه‌های علوم جنایی در روند قانون‌گذاری و پای بندی به اصل قانونی بودن مجازات‌ها، با تصویب کد جزا این تدبیر جایگاه قانونی خود را پیدا کرده است. فرهنگ‌سازی و نهادینه کردن این تدبیر در نظام جزایی و قضایی کشور ضرورت تأمل و تحقیق در مورد این تدبیر را آشکار می‌کند. هدف مهم این نگارش آموزش و بر پا نگاهداشتن این تدبیر در جامعه است. از این رو، تاریخچه، مفهوم و اهداف را به صورت کلی، مصادیق، شرایط و اصول حاکم بر اجرای خدمات عمومی در حقوق جزای کشور را به بحث می‌گیریم.

۲. تاریخچه و اهداف خدمات عمومی

خدمات عمومی به عنوان یکی از کیفرهای اجتماعی در دوران امپراتوری روم به وجود آمده و در برخی از کشورهای آفریقایی، حتی قبل از استفاده از مجازات حبس، خدمات عمومی به عنوان واکنشی در مقابل جرایم ارتكابی مرسوم بوده است. در اروپا، کیفر خدمات عمومی ابتدا توسط سزار بکاریا به سال ۱۷۶۴م در رساله «جرایم و مجازات‌ها» به عنوان جایگزینی برای کیفرهای مالی در مورد سرقت‌های بدون خشونت توصیه گردیده است و می‌نویسد: «کسی که در صدد است با مال دیگری ثروتمند شود باید شاهد ناچیز شدن ثروت خویش باشد. لیکن، چون معمولاً چنین جرمی ناشی از فقر و ناامیدی است... و چون کیفرهای مالی با افزودن به شمار بزهکاران، میزان جرایم را چند برابر می‌کند و با ستاندن جنایتکاران، بی‌گناهان را نیز از نان خوردن محروم می‌کند، مناسب‌ترین کیفر که می‌توان آن را عادلانه نامید، فقط نوعی بردگی است؛ یعنی بردگی موقت که کار و مزد مجرم را در خدمت جامعه قرار می‌دهد...» (بکاریا، ۱۳۷۷، ص ۱۰۶) کیفر خدمات عمومی، چه در اروپا و چه در آمریکای شمالی و کانادا، از سال‌های پس از جنگ جهانی دوم مورد توجه قرار گرفته و در سطح بین‌المللی نیز مجمع عمومی سازمان ملل متحد در شصت و هشتمین اجلاس عمومی خود در ۱۴ دسامبر ۱۹۹۰ و به دنبال پیشنهاد «کمیته پیشگیری از جرم و رفتار با مجرمان»، «قواعد حداقل استاندارد سازمان ملل متحد برای اقدام‌های غیر بازداشتی» را که به قواعد توکیو معروف است، تصویب نمود. در بند ۸/۲ این قواعد، به دولت‌های عضو توصیه شده است که ترتیبی اتخاذ کنند تا قضات بتوانند از تدابیر غیر بازداشتی از جمله خدمات عمومی استفاده کنند. بدنبال توصیه مجامع بین‌المللی، خدمات عمومی نه تنها به عنوان یک جایگزین مجازات زندان بلکه به عنوان مجازاتی مستقل وارد قوانین موضوعه کشورهایی چون بلژیک، سوئیس، انگلیس، آلمان، فرانسه، هلند، کانادا، استرالیا، زیمبابوه، کنیا، زامبیا و اوگاندا (آشوری، ۱۳۸۲،

ص ۳۲۶-۳۲۵) و پرتغال گردیده است. (Tak, 1998, p54) قرار انجام کار (خدمات اجتماعی) در سال ۱۹۶۶ در ایالات متحده آمریکا در خصوص جرائم و تخطی‌های ترافیکی مورد استفاده قرار گرفت. این مجازات در سراسر ایالات متحده آمریکا گسترش یافته ولی منحصرأ به جرائم مالی خفیف، جرائم نوجوانان و جنحه مورد استفاده قرار گرفت. از جهت نوع مجازات در آغاز قرار انجام کار عام المنفعه به عنوان متمم برخی از جزایهای دیگر و ندرتاً به عنوان مجازات مستقل مورد استفاده قرار می‌گرفته است و بر عکس در اغلب کشورهای اروپایی به عنوان مجازات مستقل مورد استفاده قرار می‌گیرد (یعنی به عنوان جایگزین زندان). (Prison Reform Trusts Programmed)

(P 45, ۲۰۱۳) بنابراین، خدمات عمومی به عنوان یک روش از واکنش جامعه در مقابل بزهکار پیشینه‌ای بسیار طولانی دارد.

کشورهای اسلامی از جمله در ایران نیز به دنبال بازدید سازمان اصلاحات جزایی بین المللی^۱ از کانون اصلاح و تربیت تهران و ملاقات با مسؤلان عدالت کیفری و برپایی کارگاه آموزشی مجازات‌های جایگزین زندان در تهران به سال ۱۳۸۱، مرکز مطالعات راهبردی و توسعه قضایی و شورای عالی توسعه قضایی «لایحه مجازات‌های اجتماعی» را تدوین و جهت تصویب به مجلس شورای اسلامی تقدیم کرده بود که در سال ۱۳۹۲ به تصویب نهایی رسید و ماده ۷۹ ق.م.ا. به «خدمات عمومی» اختصاص یافته است. در افغانستان نیز با آگاهی از چالش‌های مجازات زندان و تأثیر پذیری از نهادهای عدلی بین المللی و نظام جزایی کشورها تدبیر «خدمات عمومی» را برای نخستین بار در سال ۱۳۹۳ و بدنبال آن در کدجزا در سال ۱۳۹۶ این نوع واکنش اجتماع محور را به صورت رسمی پذیرفته است.

به لحاظ مفهوم شناسی، خدمات عمومی^۲ نهادی است که به موجب آن، محکمه به مجرم پیشنهاد می‌کند تا با انجام کاری به نفع جامعه، به جای رفتن به زندان در صدد جبران خطای مرتکب شده بر آید. به عبارت دیگر، خدمات عمومی یکی از گزینه‌های محکومیت است که با لحاظ میزان خطرناکی مجرم و با هدف جبران خسارت از متضرر و ترمیم نظم مختل شده جامعه به وسیله او، از رهگذر انجام یک کار رایگان برای جامعه، مورد حکم قرار می‌گیرد. (آشوری، ۱۳۸۲، ص ۳۲۸) در تعریف قانونی، بر پایه‌ی فقره

۱. سازمان اصلاحات جزایی بین المللی «Penal Reform international»، يك سازمان بين المللي غير دولتي است. این سازمان که در ۱۲ نوامبر ۱۹۸۹ توسط اتباع کشورهای متعددی از جهان در شهر لندن تاسیس شد، هم اکنون اعضای از پنج قاره جهان دارد. برای مطالعه بیشتر ر.ک: سازمان اصلاحات جزایی بین المللی، رویه عملی در زندان «کاربرد مقررات بین المللی در امور زندانها»، ترجمه رضا علی اکبر پور، چاپ اول، تهران، انتشارات راه تربیت، ۱۳۸۱، صص ۲۹۵-۲۹۳.

۲. معادل انگلیسی خدمات عمومی تا سال ۲۰۰۰ «Community service order» بوده که از سال ۲۰۰۰ به موجب قانون عدالت جنایی و تشکیلات دادگاه‌ها مصوب ۲۰۰۰، به «Community punishment order» تغییر نام یافته است. دکتر علی صفاری، جزوه درسی کیفر شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق، سال تحصیلی ۱۳۸۵، ص ۴. در نوشتگان فارسی نیز این اصطلاح، تحت عناوینی چون «خدمات عام المنفعه» و «خدمات اجتماعی» به کار می‌رود.

۱ ماده ۱۶۲ کد جزا، «خدمات عامه عبارت از کاری است که مرتکب جرم به انجام آن به نفع جامعه با دریافت قسمی مزد و یا بدون آن، محکوم می‌گردد». همچنین فقره ۴ ماده ۲ قانون طرز تطبیق بدیل حبس و حجز ضمیمه شماره ۲ قانون اجرائات جزایی، «خدمات عمومی را فعالیت‌های دانسته که محکوم آن را به نفع جامعه انجام می‌دهد» بنابراین به موجب دستور، بزهکار خدمات عمومی را برای جبران خسارت جامعه به خاطر اشتباهی که مرتکب شده، می‌پذیرد و با انجام کاری به نفع اجتماع زندانی نمی‌گردد. (گودرزی بروجردی، ۱۳۸۴، ۱۶۵) اجرای خدمات عمومی برای محکوم علیه، آمیخته‌ای از فشار جسمی و روانی است چرا که از یک طرف موجب محدودیت آزادی و ایجاد انضباط و احترام به دیگری گشته و از طرف دیگر بزهکار را در وضع و موقعیتی قرار می‌دهد که اراده و تجربیات و لیاقت‌هایش به کار گرفته شود.

در افغانستان بر پایه‌ای ماده ۱۶۲ کد جزا، «خدمات عمومی می‌تواند رایگان یا نیمه رایگان باشد. بنابراین رویکرد نظام تنبیهی و اصلاحی افغانستان به خدمات عامه رویکرد مثبت و اقتضای شرایط محور است. به این معنا که به قاضی این صلاحیت را اعطاء کرده با توجه به وضعیت معیشتی مرتکب تصمیم بگیرد که خدمات عام‌المنفعه را رایگان انجام دهد یا در مقابل یک سوم اصل معاش کارمند معمولی دولت!

به این ترتیب خدمات عمومی‌خدماتی است که محکوم علیه بدون دریافت دستمزد یا با دریافت آن به دستور محکمه به نفع جامعه انجام می‌دهد. در این میان سیستم جزایی افغانستان با آگاهی و تاثیر پذیری از داده‌های مثبت تحقیق و تجربه در کشورهای مختلف، تدبیر خدمات عمومی را به صورت وسیع پذیرفته است و با توجه به ویژگی عمومی این خدمات، موسسه‌ها و نهادهایی که محکوم علیه باید در آن‌ها به کار گمارده شود، باید موسسه‌هایی باشند که از ویژگی عمومی برخوردار باشند. لذا، نمی‌توان محکوم علیه را به انجام کار برای شخص حقیقی محکوم کرد؛ خوش بختانه این مهم در تعریف خدمات عامه با تعبیر «به نفع جامعه» بخوبی بازتاب یافته و گویای این شرط است.

به صورت خاص مهمترین اهداف خدمات عمومی با رویکرد جایگزینی زندان عبارتند از:

۱. جلوگیری از ازدحام محبوسین در محابس
 ۲. کاهش مصارف محابس
 ۳. پیشگیری از مفاسد و تبعات زندان‌ها و ممانعت از تماس محکومان با بزهکاران حرفه‌ای و خطرناک.
 ۴. اصلاح و تربیت بزهکاران و بازگشت به جامعه.^۱
 ۳. شرایط و اصول حاکم بر اجرای خدمات عام‌المنفعه
- برای صدور حکم به خدمات عامه و نحوه اجرای آن، شرایط، اصول و مقرراتی پیش‌بینی شده است که چارچوب این شرایط در اغلب کشورها مشترک و یک سان است و در اینجا شرایط و اصول حاکم بر خدمات عمومی در قوانین جزایی افغانستان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲. ماده یک طرز تطبیق بدیل حبس و حجز ضمیمه شماره ۲، قانون اجرائات جزایی.

۱-۳. رضایت محکوم علیه: محکوم علیه باید نسبت به انجام کار و نوع محکومیت رضایت داشته باشد.^۱ حکم به خدمات عمومی محدودیت‌های جسمانی و روانی برای محکوم علیه در پی دارد لذا محکوم علیه نسبت به اجرای آن باید به طور دقیق آگاه و راضی باشد؛ چون در غیر این صورت امکان بازپروری و اصلاح وجود ندارد و رضایت در اصل کار و نوع آن، آن را از بیگاری و کار اجباری تمیز می‌دهد. حقوقدانان برای شرط رضایت دو دلیل عنوان می‌نمایند؛ یکی اینکه اگر مجرم هیچ انگیزه‌ای برای پذیرش و فعالیت در کارهای خدمات عمومی نداشته باشد، در این صورت صرفاً باعث ایجاد مشکل در آینده می‌شود و دوم این که، بدون شرط رضایت، تصور می‌شود که حکم خدمات عمومی ناقض تبصره ۲ ماده ۴ کنوانسیون اروپائی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی مصوب ۱۹۵۰ می‌باشد.^۲

۲-۳. رعایت وضعیت‌های محکوم علیه: به هنگام صدور حکم خدمات عمومی، وضعیت شخص مجرم از لحاظ سن، جنس، توانایی‌های جسمانی و روانی و مهارت شخص و حتی نوع جرم ارتكابی بایستی در نظر گرفته شود.^۳ چون نوع کاری که مقام قضایی برای محکوم علیه در نظر می‌گیرد باید اولاً، متناسب با سن و جنس وی باشد و ثانیاً، محکوم علیه توانایی لازم برای انجام کار مورد نظر را داشته باشد. هم چنین تخصص و مهارت لازم را دارا باشد. (حاجی تبار فیروزجایی، ۱۳۸۵، ص ۱۶۱) به بیان دیگر در انتخاب نوع کار محکمه تخصص، مهارت و تجربه مرتکب را باید لحاظ نماید.

۳-۳. تشکیل پرونده شخصیت: در توسل به خدمات عمومی، تشکیل پرونده شخصیت برای مجرم الزامی است. شخصیت مجرم قبل از ارتکاب جرم، در آستانه و پس از ارتکاب آن در صدور حکم به خدمات عمومی باید مد نظر محکمه قرار گیرد؛ چرا که رعایت اصل فردی کردن مجازات‌ها، به طور تلویحی نیازمند تکمیل پرونده شخصیت است. هر چند در خصوص تشکیل پرونده شخصیت الزام قانونی پیش بینی نشده اما برای آنکه این تدبیر تأثیر لازم خود را داشته باشد و روند نظارت بر شخص دقیق انجام گیرد، می‌توان گفت تشکیل پرونده شخصیت الزام قضایی پیدا می‌کند. بلکه این امر از مفاد فقره ۵ ماده ۱۶۲ کد جزا قابل استفاده است که مقرر می‌دارد: «محکمه میزان خدمات عامه را با تناسب وضعیت مرتکب تعیین می‌نماید» رعایت وضعیت مرتکب ایجاب می‌نماید که قاضی به هنگام صدور حکم و نوع آن، جایگاه خانوادگی، اجتماعی وضعیت روحی و جسمی او را مدنظر قرار دهد.

۴-۳. تعیین مدت زمانی: محکمه باید ساعت و مدت زمانی را که محکوم علیه باید به انجام خدمات عمومی پردازد مشخص نماید. مدت مذکور متناسب با وضعیت مرتکب، شدت و نوع جرم ارتكابی و میزان مجازات قانونی آن باشد. بر پایه ماده ۱۶۳ کد جزا، زمان کار بر مبنای ساعت

۱. فقره ۳ ماده ۱۶۲ کد جزا.

۲. «هیچ کس نباید مجبور به انجام کار اکراه آمیز یا اجباری گردد».

۳. فقره ۲ ماده ۱۶۲ کد جزای افغانستان.

باید تعیین شود و حداقل آن ۴ ساعت و حداکثر از ۸ ساعت بیشتر نباشد. در تعیین اندازه ساعت کاری توان فیزیکی، سن و جنسیت محکوم علیه باید لحاظ شود.^۱

قانون‌گذار بین افراد شاغل و غیر شاغل در تعیین ساعت کاری تفاوت قایل نشده است. از آن جایی که هدف مهم از این نهاد اصلاح مرتکب است، شایسته است که بین فرد شاغل و غیرشاغل تفاوت در نظر گرفته شود و فرد شاغل، شغل خویش را از دست ندهد.

اجرای درست واکنش خدمات عمومی مستلزم آگاهی و مشارکت نهادها و مؤسسات مختلف قضایی، مردم و جمعیت‌های محلی، سازمان‌های غیردولتی و نهادهای مدنی می‌باشد.^۲ از این رو، این کیفر، نماد بارزی از سیاست جنایی مشارکتی است، زیرا، اجرای فعال و موثر خدمات عمومی و اصلاح و درمان مجرمان مستلزم مشارکت مردم و نهادهای مدنی و آموزش و تبلیغات گسترده از طریق رسانه‌های گروهی و دستگاه‌های قضایی و غیره می‌باشد. بنابراین بایستی تمایل واقعی و توانایی مؤسسه محل انجام کار به پذیرش مجرم نیز ثابت شود. مکاتب و شفاخانه‌ها، مراکز خدمات صحتی، مراکز نگهداری معلولان، فضای سبز پارک‌ها، انجمن‌های خیریه، انجمن کانون و کلا و غیره از جمله نهادها و سازمان‌های دولتی و غیر دولتی محسوب می‌شوند که ممکن است چنین محکومانی را در اختیار بگیرند.^۳ نیز برای اجرای موثر، کار آمد و موفقیت آمیز کیفر خدمات عمومی مستلزم گزینش اشخاص متخصص، با تجربه، مسئولیت پذیر و نهادهایی است که این کار به آنها واگذار می‌شود.

نکته مهم این است که انجام این کیفر نباید مانع کسب و کار محکوم علیه از شغل قبلی اش شود؛ زیرا در غیر این صورت، پیوند مجرم با جامعه و بازسازی اجتماعی وی بی‌اثر و ناکارآمد می‌ماند. بنابراین، در مورد افراد شاغل، در یک روز تنها چهار ساعت ارائه خدمت عمومی به منزله این کیفر پذیرفته شده است و یا می‌تواند بیش از چهار ساعت نباشد.

۳-۵. حضور متهم در محکمه: متهم باید در جلسه محکمه حضور یابد تا موافقت خود را با این حکم ابراز دارد و در صورت موافقت صریح با این کیفر، می‌بایست تکالیف و دستوراتی را که محکمه برای وی تعیین کرده، انجام و از آن‌ها استنکاف ننماید. به عنوان مثال، در صورت تغییر

۱. فقره ۱ ماده ۲۸ طرز تعیین بدیل‌های حبس و حجز، ضمیمه قانون اجزائات جزایی.

۲. برای آگاهی بیشتر از جایگاه و نقش سازمان‌ها و مشارکت مردم رجوع شود به رساله دکتری نگارنده با عنوان «آسیب‌شناسی زندان و بررسی جایگزین‌های آن در نظام کیفری ایران و افغانستان»

۳. ماده ۲۴ طرز تطبیق بدیل‌های حبس و حجز

۴. از تعیین حد اقل ۴ ساعت در روز، می‌توان استنباط کرد که گماشتن شخص در کارهای عمومی، نباید به شغل اصلی او اخلال وارد کند.

شغل یا محل اقامت، می‌بایستی به قاضی اجرای مجازات اطلاع دهد.^۱ نوع خدمات عامه و میزان ساعت کار، به درخواست مرجع و نهاد محل خدمت قابل تغییر است.^۲

۴. ممنوعیت حکم به خدمات عامه‌المنفعه

حکم به انجام خدمات عمومی از سه جهت متفاوت ممنوع است. یکی از بابت سازمان محل خدمت که استفاده از مرتکب در نهادهای امنیتی، عدلی و قضایی به عنوان خدمات بدیل حبس مجاز نیست.^۳ دلیل ممنوعیت این است که نهادهای امنیتی یا عدلی و قضایی به خاطر حساسیت‌های که دارد، جای اشخاص محکوم نیست و اقتضای مصلحت عمومی آن است که از به کارگیری افراد مجرم در این نهادها اجتناب شود. دوم از جهت نوع جرم، برخی جرایم به دلیل خطر و تهدید جدی که علیه نظم و امنیت جامعه است، در ردیف جرایم سنگین قرار می‌گیرد و در اینگونه جرایم نمی‌توان از بدیل حبس علیه محکوم استفاده کرد.^۴ سوم از لحاظ خود مرتکبین؛ برخی از مرتکبین به لحاظ جسمی یا روانی یا داشتن سن کم یا زیاد مانع استفاده از خدمات عامه می‌شود. دلیل این ممنوعیت ملاحظات سلامتی جسمی یا روانی یا سن مرتکب است که کاربرد خدمات عامه را بی‌اثر و گاهی غیر عقلایی می‌نماید.^۵

۵. تعلیق یا تبدیل خدمات عامه‌المنفعه

بر اساس درخواست محکوم علیه یا سارنوال به دلیل مشکلات جسمی یا خانوادگی محکوم علیه، محکمه می‌تواند خدمات عمومی را تعلیق و یا به جایگزین‌های دیگر تبدیل نماید. این انعطاف‌پذیری، با سیاست جایگزین‌های حبس تناسب بیشتری دارد و با اصلاح و بازپروری مرتکب در جریان تحمل مجازات سازگارتر است.^۶

۶. ضمانت اجرای خدمات عامه

اگر اراده و رویه محکمه براین شد، مرتکبی که دارای شرایط تشخیص داده شود او را به انجام خدمات عامه محکوم نمود، پرسش مطرح می‌شود که چه تدابیر قانونی یا قضایی برای اجرای آن از طرف محکوم علیه سنجیده شده است و اگر تخلف کرد، چه می‌شود؟ در ماده ۱۶۶ کدجزا دو نوع تدابیر قانونی خوبی در ارتباط به رعایت شرایط حاکم بر خدمات عمومی پیش بینی شده است. «هر گاه محکوم علیه

۱. برای اطلاع بیشتر درخصوص جایگاه و وظایف قاضی اجرای مجازات ر. ک: دکتر جعفر کوشا، قاضی اعمال کننده مجازات‌ها در حقوق فرانسه، مجله کانون وکلای مرکز (دوره جدید)، بخش ترجمه، ش ۱۰، ۱۳۷۵، صص ۲۱۷-۳۲۸.

۲. فقره ۲، ماده ۲۸ طرز تطبیق بدیل‌های حبس و حجز.

۳. ماده ۲۵ طرز تطبیق بدیل حبس و حجز.

۴. فقره ۳ ماده ۱۵۱ کد جزا.

۵. ماده ۲۹ طرز تطبیق بدیل حبس و حجز.

۶. ماده ۱۶۵ کدجزا: «محکمه می‌تواند به اساس تقاضای محکوم علیه، وکیل مدافع یا خازنوال مربوطه، نظر به وضع جسمانی و نیاز به خدمات صحی یا مشکلات خانوادگی محکوم علیه، انجام خدمات عامه را به طور مؤقت حداکثر تا سه ماه درطول دوره محکومیت، تعلیق کرده یا آن را به سایر جزا‌های بدیل حبس تبدیل نماید».

بدون عذر موجه از انجام خدمات عمومی یا از شرایط مقرر برای انجام آن کار خودداری کند، برای بار نخست حداکثر تا ۸۰ ساعت به ساعات‌های انجام خدمات عمومی افزوده شده و در صورت تکرار، محکمه می‌تواند به اساس پیشنهاد ثارانوال مربوط مدت باقی مانده وی را به حبس تبدیل نماید. در این صورت محکوم علیه در برابر ۸ ساعت از ساعت باقی مانده یک شبانه روز زندانی می‌شود^۱ تدبیر ضمانت اجرای اول از نسخ کار است و در صورت تخلف محکوم علیه، محکمه می‌تواند ساعت کاری او را مثلاً از ۱۰ ساعت تا ۸۰ ساعت اضافه کند. سازوکار تدبیر دوم بازگشت به اصل مجازات است؛ به این معنا که متخلف اگر بار دوم از مقررات حاکم بر روند خدمات اجتماعی تخلف کرد، منتظر بازگشت به مجازات حبس باشد. در این صورت مدت باقی مانده ساعت کاری را به حبس تبدیل می‌کند. از باب مثال اگر از ساعت کاری اجتماعی او ۳۲ ساعت باقی مانده باشد، او را به ۴ شبانه روز بودن در زندان تبدیل می‌کند.

بنابراین خدمات عمومی، در یک ساختار دقیق قانونی تعریف شده و از آغاز به مرتکب اعلان می‌شود که اگر در روند تطبیق آن از چهارچوب خارج شد، پیامد ساعات کاری اضافی یا زندان را به دنبال دارد. تطبیق ضمانت اجرا در طول هم و به ترتیب قابل اجرا است یعنی بار اول بر ساعت کاری او افزوده می‌شود و در صورت تکرار تخلف خدمات عام‌المنفعه به مجازات حبس تبدیل می‌گردد.

به این ترتیب باید توجه داشت که کار عام‌المنفعه به‌طور ویژه‌ای برای اجرا متناسب است. دلیل متناسب بودن آن این است که کار به عنوان تدبیر روشنی از واکنش جامعه بدون اثرات بد حبس نگریسته می‌شود و به بزهکار فرصت کسب منافع را از رهگذر انجام کار مفید و تحت نظارت می‌دهد. شاید دلیل دیگر، انعطاف‌پذیری این شکل از جایگزین باشد که می‌تواند به عنوان ضمانت اجرایی مستقل اعمال شود.

۷. نظارت بر روند خدمات اجتماعی

تأثیرگزاری و مفید بودن تدبیر خدمات اجتماعی، هنگامی میسر است که روند سپری کردن آن، به دور از چشم نهاد عدلی و قضایی نباشد و مدام بر رفتار شخص و رعایت مقررات، نظم و انضباط از طرف محکوم علیه مورد نظارت قرار گیرد. بدین جهت، مرجع و نهاد محل خدمات، مکلف است در هر ماه یا هر سه ماه یک بار گزارش دقیق از رفتار مرتکب به نهاد سارانوالی ارائه کند؛ از قبیل حضور هفته وار در محل خدمت، چگونگی انجام کار، رعایت مقررات و تأثیرگزاری آن بر شخص مورد هدف. همچنین وضعیت صحی شخص تحت کنترل باشد و باید مرجع خدمت در بازه زمانی فوق، از وضعیت صحی و روانی او به نهاد عدلی گزارش بدهد و در نهایت در صورت مشاهده تخلف او از مقررات خدمات اجتماعی، او را نیز گزارش دهد.^۱ شاید آخرین رمز پیروزی کار عام‌المنفعه، قابلیت اعمال آن نسبت به اغلب جرایم معمولی است. چنانکه امروزه تا حدود بسیاری مؤثر بودن این جایگزین در تمامی کشورها به اثبات رسیده، هرچند همانند بسیاری دیگر از سیاست‌های جنایی مخالفینی نیز دارد.

برخی اندیشمندان حقوقی در مطالعاتی که در سال ۱۹۹۴م در مورد روش‌های جایگزین به عمل آورده، نتایج به‌دست آمده از یافته‌های تحقیقات جهانی در مورد کارایی روش‌ها را در دستیابی به اهداف مورد نظر چنین جمع‌بندی می‌کند: در بیشتر پروژه‌ها میزان موفقیت، حداکثر پنجاه تا شصت درصد بوده است.

۱. ماده ۳۱ طرز تطبیق بدیل حبس و مجز ضمیمه شماره ۲ قانون اجراءات جزایی.

هنگامی که در اسکاتلند کار عام‌المنفعه به‌عنوان یک حکم جایگزینی اعلام شد؛ در سال نخست، نتیجه نشان داد که اگر تدبیر جایگزینی وجود نمی‌داشت، از هر ده نفر که حکم کار عام‌المنفعه را دریافت کرده‌اند، هفت نفر روانه زندان می‌شدند. در سال دوم برآورد شش به ده بود. نتایج نشان داد که تا سال ۱۹۸۶ احتمالاً تنها بیست و هشت درصد از کسانی که حکم کار عام‌المنفعه دریافت کرده‌اند می‌بایست به زندان می‌رفتند. (Junger, 1994, p 56) از باب نمونه خدمات اجتماعی برای اولین بار در ایالات متحده در سال ۱۹۶۶ برای رانندگان مست استفاده شد و از آن زمان در همه ایالت‌ها معرفی شد و از آن زمان به استرالیا، نیوزلند و آفریقای جنوبی گسترش یافت. (Klaus, 1998, p 15) امروزه، خدمات اجتماعی در هر ایالت از ایالات متحده به‌عنوان یک مجازات مستقل یا مشروط یا جایگزینی برای حبس یا جریمه نقدی استفاده می‌شود. در گرجستان، خدمات اجتماعی به‌عنوان مجازات از سال ۱۹۹۹م، زمانی که قانون کیفری گرجستان تصویب شد، رسمیت پیدا کرد. اگرچه برای مدت طولانی، به اصطلاح "هنجار مرده" بود. لکن استفاده مؤثر از آن در ۱۱ مارس ۲۰۱۱ پس از اجرای تغییرات قانونی آغاز شد. در حال حاضر خدمات اجتماعی به‌عنوان مجازات مورد استفاده قرار می‌گیرد. (Getiashvili, p 231)

بنابراین کارآمدی و مفید بودن این سیاست در مقایسه با حبس، در کشورهای که تجربه کرده به اثبات رسیده است. اگر در کشور مثل افغانستان این تدبیر با مکانیزم‌ها و نظارت درست مورد حکم قرار گرفته و تطبیق شود، نتایج و آثار قابل قبولی را در پی خواهد داشت.

نتیجه‌گیری

بر اساس برآوردهای که در اکثر کشورها انجام شده، آمار محبوسین رو به افزایش است و سیستم مجازات زندان در دست یابی به اهداف خود ناکام بوده و اضافه بر آن، زندان تبعات اجتماعی و اقتصادی در جامعه و تربیتی را برای محکوم در پی داشته و دارد. از این‌رو حقوق‌دانان و کارشناسان، در صدد راهکار جدید بوده که برآیند آن طرح ایده و اندیشه نو است به نام بدیل‌های حبس. داده‌های تحقیق نشان‌دهنده آن است که تدبیر بدیل حبس علاوه بر تأثیری گذاری مثبت برای محکومین؛ باعث کاهش هزینه‌های اقتصادی کشور و افزایش اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی می‌شود.

به این ترتیب بسیاری از نظام‌های جزایی کشورها با کاری کارشناسانه مرحله قانون‌گذاری بدیل‌های حبس را سپری کرده و آن را به تصویب رسانده‌اند. در مرحله قضایی هم آن را عملیاتی و تطبیق کرده که نتایج مفید و مؤثری را به همراه داشته است. بدون شک فایده‌مندی و اثرگذاری هر نوع مجازات هر چند از سنخ بدیل حبس باشد، بستگی به قوانین و شرایطی دارد که با نیازها و اقتضائات زمانی و مکانی هر کشور تناسب داشته باشد. خوش‌بختانه تدبیر بدیل‌های حبس و بویژه خدمات عام‌المنفعه، در سیستم تقنینی کشور بازتاب یافته و یکی از مهمترین دست‌آوردهای کدجزا می‌تواند باشد که با تصویب طرز تطبیق بدیل‌های حبس و حجز روند آن را بابت قانون‌گذاری به کمال رسیده و سازوکار اجرای آن را به خوبی روشن کرده است. به این ترتیب، پذیرش بدیل‌های حبس در سیاست تقنینی جزایی کشور ناشی از شکست و ناموفق بودن برنامه‌های اصلاحی حبس است و از سوی دیگر بر گرفته از یافته‌های جدید علوم جنایی است. در این میان خدمات عام‌المنفعه به عنوان بدیل حبس، می‌تواند بازتاب‌دهنده مصلحت‌های اجتماعی و شخص مرتکب باشد که با اجرای درست آن، باعث پیشگیری از جرم یا حد اقل کاهش جرم شده و باری هزینه‌های کلان اقتصادی، اجتماعی و خانوادگی را از دوش جامعه بر می‌دارد.

منابع و ماخذ

- ۱) آشوری، محمد، جایگزین‌های مجازات زندان، یا مجازات‌های بینابین، تهران، نشر گرایش، ۱۳۸۲.
- ۲) بکاریا، سزار؛ رساله جرایم و مجازات‌ها، ترجمه دکتر محمد علی اردبیلی، چاپ سوم، تهران، نشر میزان، ۱۳۷۷.
- ۳) حاجی تبار فیروز جایی، حسن؛ جایگزین‌های حبس در حقوق کیفری ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، سال تحصیلی ۱۳۸۵.
- ۴) گودرزی بروجردی محمدرضا و لیلا مقدادی؛ کیفر شناسی نوین یا کیفرهای اجتماعی، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۴.
- 5) A Sin Against the Future: Imprisonment in the World. By Vivien Stern (Boston, Northeastern University Press, 1998).
- 6) J. Junger . Tas Kugler, Alternatives to Prison Sentences: Experiences and Developments, 1994 .
- 7) Klaus, J. (1998), Handbook on Probation Services, Rome/London.
- 8) Prison Reform Trusts Programmed. "International good practice: Alternative to imprisonment for women offender, New York.(۲۰۱۳) ,
- 9) Tak P. Alternatives to Prison in Europe // Prison Populations and Penal Policy in Estonia, Latvia and ituania, Swedish Prison and probation Service, 1998.
- 10) Getiashvili, G. (2016).The Essence of Work Useful to Society, Tedo Ninidze - 65, Jubilee Collection, Law Journal N2 .

ج) قانون

- ۱۱) ۱۱. کدجزا، مصوب ۱۳۹۶.
- ۱۲) ۱۲. طرز تطبیق بدیل‌های حبس و حجز ضمیمه شماره ۱ قانون اجرائات جزایی.